

دستگیری عامل انتشار فیلم زورگیری برای رعب‌ووحشت

گروه حوادث/ پسر جوانی که در شهرستان نهاوند اقدام به انتشار فیلمی کوتاه از زورگیری و شکنجه در فضای مجازی کرده بود، شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ فیروز سرخوش نهاد رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فرماندهی انتظامی استان همدان در تشریح این خبر به ایرنا گفت: کارشناسان پلیس «فتا» شهرستان نهاوند با مشاهده این فیلم و رصد و پایش فضای مجازی، دریافتند پسری ۲۱ ساله عامل تهیه و انتشار این فیلم زورگیری است. متهم در این کلیپ تصاویری از حبس یک پسر جوان در لانه سگ و داخل صندوق عقب خودرو و اخاذی از وی را تهیه و در فضای مجازی منتشر کرده بود. این متهم که با اقدام مؤثر و تلاش ویژه کارشناسان پلیس شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی و همکاری پلیس آگاهی و اطلاعات شهرستان نهاوند دستگیر شد، در بازجویی‌ها انگیزه خود را کینه‌جویی و ایجاد رعب و وحشت در بین کاربران فضای مجازی اعلام کرد. وی با اشاره به اینکه متهم با تشکیل پرونده تحویل مرجع قضایی شده است، اظهار داشت: هرگونه اقدام و فعالیت در فضای مجازی که منجر به ایجاد رعب و وحشت در میان مردم می‌شود، جرم محسوب شده و براساس قانون با متخلفان برخوردی قاطع می‌شود.

رئیس پلیس «فتا» استان همدان به والدین توصیه کرد: بر نحوه فعالیت فرزندان خود در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نظارت کرده و از بروز این قبیل اقدامات که دارای تبعات و عواقب قضایی و قانونی است، پیشگیری کنند.

آدم ربایی برای ۴ میلیارد تومان رمزارز



گروه حوادث/ اعضای یک باند که پس از ربودن پسر ۲۰ ساله برای آزادی او ۴ میلیارد تومان رمز ارز درخواست کرده بودند از سوی پلیس استان فارس دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مأموران پلیس از ربودن پسری ۲۰ ساله در شیراز با خبر شدند و در پی اعلام این آدم ربایی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفت. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد پنج سرشنس یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ این پسر را با تهدید سلاح ربوده و سپس متواری شده‌اند.

سردار سرتیپ رهام بخش حبیبی فرمانده انتظامی استان فارس اظهار داشت: با تلاش‌ها و اقدامات اطلاعاتی و پلیسی توسط کارآگاهان پلیس آگاهی و مأموران پلیس فتا استان، در نهایت مخفیگاه ربایندگان در یکی از باغ‌های اطراف شهر شیراز مورد شناسایی قرار گرفت و مأموران به محل مورد نظر اعزام شدند. طی یک عملیات غافلگیرانه و ضربتی هر پنج متهم دستگیر شدند و از آنها یک قبضه سلاح گرم و تعدادی سلاح سرد کشف و گروگان نیز به صورت صحیح وسام آزاد شد. در ادامه مشخص شد سرکرده ۳۰ ساله این باند دارای سابقه آدم ربایی در سال ۹۲ بوده و از سوی دادگاه به ۲۵ سال حبس محکوم شده بود اما متواری شده و اقدام به ربودن این پسر ۲۰ ساله کرده بود.

وی درباره علت و انگیزه افراد از انجام این گروگانگیری عنوان کرد: در بازجویی‌های صورت گرفته، مشخص شد که ربایندگان در قبال آزادی گروگان درخواست مبلغ ۴ میلیارد تومان از خانواده وی کرده بودند. فرمانده انتظامی استان فارس با بیان اینکه گروگان ۲۰ ساله تحویل خانواده وی شد، تأکید کرد: استان فارس محل نامنی برای انجام فعالیت‌های مجرمانه است و مخالان نظم و امنیت عمومی بدانند که در صورت ارتکاب جرم با برخورد قاطع و قانونی پلیس مواجه خواهند شد. سید مصطفی بحرینی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان فارس در این باره گفت: با اقدامات فنی و پلیسی و نظارت مستقیم معاون دادستان و سرپرست دادسرای جنایی شیراز پس از شناسایی محل اختفای آدم ربایان، گروگان در سلامت کامل آزاد شد.

وی با بیان اینکه آدم ربایان مسلح به سلاح گرم و سرد بودند و دستگیری آنان با درگیری مسلحانه همراه بود، گفت: آدم ربایی در ازای آزادی گروگان، تقاضای رمز ارز کرده بودند. پس از دستگیری متهمان پرونده قضایی برای آدم ربایان تشکیل و به شعبه تخصصی فرستاده شد که در دادسرا به صورت ویژه و در سریع‌ترین زمان ممکن رسیدگی خواهد شد.

حمله سگ‌های خانگی به تکنیسین‌های اورژانس



گروه حوادث/ رئیس مرکز اورژانس تهران از حمله سگ‌های یک مددجو به نیروهای اورژانس تهران خبر داد. یحیی صالح طبری در این باره گفت: حوالی ساعت ۱:۲۹؛ بامداد شنبه گزارشی مبنی بر حال نامساعد یک شهروند به مرکز ۱۱۵ اورژانس تهران اعلام شد که بلافاصله تکنیسین‌های اورژانس تهران به محل حادثه در سعادت‌آباد اعزام شدند. به محض ورود تکنیسین‌های این مرکز به منزل بیمار، آنان با سه قلابه سگ مواجه شدند که برای جلوگیری از اخلاص در روند معاینات از همراه بیمار خواستند که سگ‌ها را کنترل کند. اما هنگام خدمت‌رسانی در منزل بیمار ناگهان همراه بیمار با نیروهای این مرکز جدال لفظی پیدا کرده و در این هنگام این فرد در خانه را قفل کرده و سگ‌ها را تشویق کرده تا به سمت تکنیسین‌ها حمله کنند. رئیس مرکز اورژانس تهران با بیان اینکه در نهایت بعد از آسیب به نیروهای اورژانس تهران، آنها موفق به فرار از این خانه شدند، گفت: در حال حاضر تکنیسین حادثه‌دیده تحت مراقبت پزشکی است و واکسن هاری به آنها تزریق شده است. اداره حقوقی اورژانس نیز پیگیر شکایت از فرد خاطی است.

انفجار مریکار کامیون سوخت در جنوب لیبی



انفجار کامیون سوخت‌رسانی در جنوب لیبی هفت کشته و بیش از ۱۰۰ زخمی بر جا گذاشت. به گزارش العربیه، این کامیون سوخت‌رسانی صبح دوشنبه در جاده اوباری - سهیلا نزدیکی منطقه الزاویه در جنوب لیبی منفجر شد که منجر به مرگ ۷ نفر و مجروح شدن ده نفر شد و حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است. برخی منابع خبری مسؤولان این انفجار را ۱۳۰ نفر اعلام کرده و گفتند که برخی از آنها یکی که حائلشان وخیم بوده، به بیمارستان منتقل شده‌اند.



دم در جلسه دادگاه حاضر شد. قبل از استماع اظهارات شکات، کیفرخواست توسط نماینده دادستان قرائت شد. وی در مورد تعداد متهمان این پرونده نیز گفت: متهمان این حادثه ۲۱ نفر هستند که همه آنها در دادگاه حاضر شدند و همگی بازداشت هستند و از زندان به جلسه دادگاه اعزام شده‌اند. دهقانی افزود: در این جلسه اظهارات قریب به اتفاق شاکی‌ها شنیده شد و جلسه بعدی که سه‌شنبه برگزار می‌شود به دفاعیات متهمان اختصاص دارد. وی در مورد روند پرداخت دیه متوفیان این حادثه نیز گفت: قرار است این روند در دادگاه تعیین شود، اما با توجه به اینکه دیه تعدادی از متوفیان از اموال مالک اصلی (متوفی) پرداخت شده است در صدور حکم نسبت به آنان اظهار نظری برای دریافت دیه صورت نخواهد گرفت و فقط جنبه عمومی جرم بررسی می‌شود. گفتنی است، ریزش ساختمان متروپل دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱ در آبادان به وقوع پیوست که در پی آن ۴۳ نفر از هموطنان در این حادثه جان خود را دست دادند.

قصاص برای مردی که دوستش را شکار کرد

ولی در نهایت پلیس من را بازداشت کرد.

پس از اعترافات صریح متهم صحنه جرم بازسازی شد. در این میان کارآگاهان پس از تحقیقات متوجه شدند که قرار میان محمود و کریم به خاطر شکار محرز شد که وی از سوی فردی آشنا به محل کشانده شده و مورد سوء قصد قرار گرفته است. در مرحله بعد تلفن همراه مرد ناپدید شده مورد رصد قرار گرفت و معلوم شد تلفن همراه او آخرین بار در یکی از مناطق جنگلی اطراف تهران آنتن دهی داشته است و بررسی مکالمات او هم نشان می‌داد که آخرین تماس‌های وی با دوستش کریم بوده است. به این ترتیب کریم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. او ابتدا سعی داشت خود را بی‌اطلاع از سرنوشت دوستش نشان دهد اما وقتی در برابر مستندات قرار گرفت در نهایت اعتراف کرد و جزئیات ماجرا را این‌گونه تعریف کرد:

من و محمود چند سالی است که باهم دوست هستیم و آن روز هم با هم قرار گذاشتیم تا برای شکار به یکی از مناطق جنگلی اطراف تهران برویم. قبل از آن دبه‌ای را به عنوان سبیل در فاصله چند ده متری قرار دادیم. ابتدا محمود چند گلوله شلیک کرد و نتوانست به دبه بزنند. بعد من اسلحه را گرفتم تا دبه را نشانه بگیرم که به یکباره گلوله به محمود خورد و در دم فوت کرد از ترسم محمود را رها کردم و گریختم. چند ساعت بعد هم همسرش با من تماس گرفت که اظهار بی‌اطلاعی کردم اما از آنجایی که نمی‌خواستم به من شک کند در همه مراحل شکایت و پیگیری آنها را همراهی کردم

کردند و همسر محمود با حضور پر پزشکی قانونی هویت همسرش را تأیید کرد. با کشف جسد و اعلام نظریه پزشکی قانونی مبنی بر قوت محمود با گلوله تفنگ شکاری برای مأموران محرز شد که وی از سوی فردی آشنا به محل کشانده شده و مورد سوء قصد قرار گرفته است. در مرحله بعد تلفن همراه مرد ناپدید شده مورد رصد قرار گرفت و معلوم شد تلفن همراه او آخرین بار در یکی از مناطق جنگلی اطراف تهران آنتن دهی داشته است و بررسی مکالمات او هم نشان می‌داد که آخرین تماس‌های وی با دوستش کریم بوده است. به این ترتیب کریم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. او ابتدا سعی داشت خود را بی‌اطلاع از سرنوشت دوستش نشان دهد اما وقتی در برابر مستندات قرار گرفت در نهایت اعتراف کرد و جزئیات ماجرا را این‌گونه تعریف کرد:

من و محمود چند سالی است که باهم دوست هستیم و آن روز هم با هم قرار گذاشتیم تا برای شکار به یکی از مناطق جنگلی اطراف تهران برویم. قبل از آن دبه‌ای را به عنوان سبیل در فاصله چند ده متری قرار دادیم. ابتدا محمود چند گلوله شلیک کرد و نتوانست به دبه بزنند. بعد من اسلحه را گرفتم تا دبه را نشانه بگیرم که به یکباره گلوله به محمود خورد و در دم فوت کرد از ترسم محمود را رها کردم و گریختم. چند ساعت بعد هم همسرش با من تماس گرفت که اظهار بی‌اطلاعی کردم اما از آنجایی که نمی‌خواستم به من شک کند در همه مراحل شکایت و پیگیری آنها را همراهی کردم

گروه حوادث/ مرد میانسالی که مدعی بود در جریان تمرین تیراندازی برای شکار به جای شلیک به ظرف آب دوستش، به طور تصادفی مورد هدف قرار گرفته و به قتل رسیده است، در دادگاه کیفری یک استان تهران به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از بهمن سال ۹۹ با گزارش ناپدید شدن مردی به نام محمود از سوی همسرش آغاز شد. همسرش در توضیح بیشتر به مأموران گفت: محمود طبق روزهای قبل صبح برای رفتن به سرکار از خانه خارج شد و وقتی هم به محل کارش رسید با من تماس گرفت و باهم صحبت کردیم. چند ساعت بعد با او تماس گرفتم اما تلفنش را جواب نداد و من هم فکر می‌کردم درگیر کاری شده به همین خاطر نگران نشدم تا اینکه ساعت از ۸ شب هم گذشت و همسر هم نیامد. وقتی با تلفنش تماس گرفتم خاموش بود. بلافاصله با دوستش کریم تماس گرفتم که او مدعی شد اطلاعی از شوهرم ندارد. خیلی نگران شدم به همین خاطر از پلیس می‌خواهم شوهرم را پیدا کند. پس از اظهارات همسر محمود کارآگاهان تحقیقات خود را برای پیدا کردن مرد ناپدیدشده آغاز کردند. در نخستین گام به بررسی روابط محمود و همسرش پرداختند و مشخص شد که آنها زندگی خوبی داشته‌اند و مشکلی هم در زندگی‌شان نبوده، بنابراین ظن کارآگاهان از زن جوان رفع شد. چند روز بعد مأموران جسد مرد میانسالی را در اطراف تهران کشف

دستگیری سارق مسلح طلافروشی



وارد مغازه شوم. بعد با او درگیر شده و تهدید کردم در گاو صندوق را باز کند، اما او مقاومت کرد و مدعی شد کلید را ندارد و بعد هم آتیر خطر را به صدا درآورد. سابقه دار نیستم اما غیر از سرقت ناموفق طلافروشی، گوشه تلفن همراه مردی افغانستانی را نیز سرقت کرده‌ام.

سرهنگ ولی پورگودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در این رابطه گفت: با اعتراف متهم جوان، تحقیقات برای شناسایی جرایم احتمالی او به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد و متهم در اختیار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی قرار داده شد.

شده و تحقیقات برای دستگیری سارق مسلح آغاز شد. با اقدامات پلیسی و شناسایی هویت سارق، کارآگاهان موفق به دستگیری او شدند. در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد متهم سابقه کیفری ندارد. او در بررسی‌ها گفت: به خاطر شرایط نامناسب مالی تصمیم به سرقت گرفتم، به همین دلیل اسلحه‌ای از یکی از استان‌های غربی کشور تهیه کرده و راهی تهران شدم. او ادامه داد: به صورت اتفاقی این طلافروشی را انتخاب کردم و روز حادثه به کمین مرد طلافروش نشستم تا به محض اینکه در مغازه را باز کرد و وارد شد، من پشت سرش

اما مرد طلافروش مقاومت کرد و این بار مرد نقابدار به سمت او رفت و اسلحه را مقابل صورتش گرفت بعد با تهدید یقه پیراهن مرد طلافروش را گرفت و به سمت گاو صندوق کشاند. مرد طلافروش که اسلحه را مقابل خود می‌دید، به سمت گاو صندوق که زیر وینترین مغازه قرار داشت، رفت اما با زیرکی زنگ هشدار را به صدا درآورد. صدای آتیر خطر باعث شد که سارق مسلح یک تیر هوایی شلیک کرده و با برداشتن کیسه‌اش از محل متواری شود. به دنبال این سرقت ناموفق، کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل

سلاح‌های در دست راستش بود و با تهدید از صاحب مغازه خواست در گاو صندوق را باز کند. او اسلحه را مسلح و آماده شلیک کرد و از مرد طلافروش خواست تا طلاهای داخل گاو صندوق را داخل کیسه‌ای که به همراه داشت، بریزد.

گروه حوادث/ سارق مسلح که به محض شنیدن صدای آتیر خطر طلافروشی قبل از اجرای نقشه‌اش از محل متواری شده بود، با ردیابی‌های یک ماهه پلیس دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۹ صبح ۴ تیرماه امسال،

سارق مسلح که به محض شنیدن صدای آتیر خطر طلافروشی قبل از اجرای نقشه‌اش از محل متواری شده بود، با ردیابی‌های یک ماهه پلیس دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۹ صبح ۴ تیرماه امسال،

خواستگار قدیمی سارق دستبند طلا بود

بهر روز در تحقیقات گفت: اواخر سال گذشته از زندان آزاد شدم و هنوز یک ماهی از آزادی‌ام نگذشته بود که به خاطر مشکلات مالی و رد مال دوباره مجبور به سرقت شدم. شاهین یکی از هم‌بندی‌هایم بود و قبلاً او را می‌شناختم، قرار شد فقط از زن‌هایی سرقت کنیم که تنها هستند. آنها را تعقیب می‌کردیم و زمانی که به محل خلوتی می‌رسیدند یا اینکه مقابل خانه‌شان به انتظار باز شدن در بودند، به سراغ‌شان می‌رفتم.

او ادامه داد: ما زن‌هایی را برای سرقت انتخاب می‌کردیم که دستبند طلا به دست داشتند از طرفی هر سرفت را یکی از ما انجام می‌داد. اگر اولین سرقت را من انجام داده بودم دومین سرقت را شاهین مرتکب می‌شد. سرقت سوم برای من بود و همین‌طور ادامه داشت. وقتی از زن جوانی که روزی خواستگارش بودم سرقت کردم، او را شناختم اما چون مرا دیده بود، موهایم را رنگ کردم که شناسایی نشوم.

خلافکار بود، خانواده‌ام با این ازدواج موافقت نکردند و بعد از آن دیگر بهروز را ندیدم تا روز دزدی که کلاه‌کاسکت از سرش افتاد.

با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار مأموران قرار داد، تیم تحقیق به بررسی سوابق او پرداخته و مشخص شد که بهروز چندین سابقه کیفری در پرونده خود دارد و اواخر سال گذشته از زندان آزاد شده است.

اعتراف به سرقت‌های سریالی

با شناسایی هویت متهمان چند روز قبل بهروز و همدستش توسط پلیس دستگیر شدند. اما از آنجا که وی موهایش مشکمی و منکر سرقت دستبند بود، به ناچار با تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مدار بسته محل‌های سرقت تطبیق داده شدند، اگر چه چهره متهم در فیلم‌ها مشخص نبود اما ظاهراً نحوه راه رفتن او در فیلم نشان می‌داد او همان سارق است. بنابراین به ناچار لب به اعتراف گشود.

مواجه شدند. شکایت‌هایی که سارقان فقط دستبند زنان را سرقت می‌کردند.

سارقی با موهای جوگندمی

بررسی‌ها برای شناسایی سارقان ادامه داشت اما با توجه به اینکه آنها در تمامی سرقت‌هایشان کلاه‌کاسکت به سر داشتند، هویت آنها مشخص نبود تا اینکه سرخ اصلی رازن جوانی به مأموران داد. زن جوانی که یکی از قربانیان سرقت اعضای این باند دو نفره بود، گفت: از خرید به خانه برگشتم، خواستم در را باز کنم که موتورسواری به من نزدیک شد و یکی از موتورسواران بلافاصله از موتور پایین پرید و دستبند طلایم را کشید. با موتورسواری درگیر شدم و در حین درگیری کلاه‌کاسکت او از سرش افتاد. مردی با موهای جوگندمی که او را شناختم. او بهروز، برادر یکی از دوستانم بود که سال‌ها قبل از من خواستگاری کرده بود اما از آنجایی که از همان جوانی نیز پر خاشاکرو

گروه حوادث/ سارق دستبند طلای زنان وقتی در آخرین سرقت از سوی مایاخته که خواستگارش بود شناسایی شد، از ترس تغییر چهره داد اما باز هم به دام افتاد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر اسفند سال گذشته زن جوانی هراسان با پلیس تماس گرفت و از سرقت دستبند طلایش خبر داد و گفت: مقابل در خانه‌ام منتظر بودم تا در را برایم باز کنند که ناگهان دو مرد جوان سوار بر موتورسیکلت به من نزدیک شدند. هر دو آنها کلاه کاسکت به سر داشتند و یکی از آنها پیاده شد و در چشم برهم زدن دستبند طلایم را سرقت کرد و از محل متواری شد. با شکایت زن جوان، تحقیقات به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت آغاز شد. کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده و در حالی که تحقیقات برای دستگیری سارقان نقابدار ادامه داشت کارآگاهان با شکایت‌های سریالی